

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رمضی بارود- سایت تله سور
برگردان از: آمادور نویدی
۰۴ مارچ ۲۰۲۰

موضع متحد برای فلسطین، قطع رابطه اعراب و مسلمانها با واشنگتن است

قطع رابطه با واشنگتن: اعراب و مسلمانان باید برای فلسطین موضعی متحد بگیرند



اگر اعراب و مسلمانها دوباره، و برای یکبار دیگر فلسطین را ناامید کنند، خلق فلسطین خود را در این جنگ
نا برابر تنها می بینند، و چاره ای جز ادامه مقاومت ندارند.

مذاکره جهت «حل اختلاف بین فلسطین و اسرائیل»، حداقل بنابر سبکی که تاکنون از دولت های پی در پی امریکا
انتظارش می رفت، منجر به شکست شده است. فلسطینی ها و متحدانش اکنون باید مسیر کاملاً جدیدی پیدا کنند که با
مداخله واشنگتن روبه رو نگردد.

آسان است که همه گناهان را به گردن دولت کنونی امریکا بیندازیم، و شخصیت قلابی ژرالد کوشنر، داماد رئیس
جمهور را به عنوان کسی جابزنیم که به تنهایی هر شانس واقعی جهت برقراری یک صلح عادلانه بین فلسطین و
اسرائیل را از بین برده است.

اما واقعیت، از تصویری که به آسانی شکل می گیرد، بسیار متفاوت است.

«روند صلح» مورد حمایت امریکا از آخرین مذاکرات در سال ۲۰۱۴ تاکنون ثابت مانده است. سالها قبل از اعلام
«نقشه خاورمیانه» دونالد ترامپ در ۲۸ جنوری ۲۰۲۰، اسرائیل همه توانش را به کارگرفت تا مطمئن شود که
فلسطینی ها هرگز نتوانند دارای کشوری شوند که متعلق به خودشان باشد.

نه تنها مقامات اسرائیلی آشکارا از تمایل خود جهت ضمیمه کردن غیرقانونی اکثر سرزمین‌های اشغالی صحبت می‌کنند، بلکه دولت اسرائیل گام‌های بزرگی برداشته است تا اطمینان حاصل کند که گسترش شهرک‌های غیرقانونی یهودی نشین ادامه یابد.

فرد باید از نظر سیاسی کور و از نظر اخلاقی کور باشد تا تصور کند که دولت اسرائیل، در هر مقطعی از گذشته، به اندازه سرسوزنی علاقه مند به صلح عادلانه بوده و به حداقل مقداری از کرامت انسانی، آزادی و عدالت برای خلق فلسطین متعهد شده باشد.

اما با این وجود، همه در این بازی سهیم بوده اند. اسرائیل مدعی است و شکایت می‌کند که در صلح هیچ شریکی ندارد، در حالی که همزمان با اشغال نظامی و توسعه رژیم استعماری خود تجاوز می‌کند؛ محمود عباس رئیس جمهور تشکیلات خودگردان فلسطین پیوسته تهدیدات توخالی می‌کند، که در نهایت منجر به هیچ چیزی نمی‌شود؛ امریکائی‌ها به هر دو طرف اصرار می‌کنند که بر سر میز «مذاکره بدون قید و شرط» برگردند، در حالی که سالیانه ۸/۳ میلیارد دلار جهت کمک‌های نظامی و اقتصادی به اسرائیل هدیه می‌دهد. ملل متحد و اتحادیه اروپا از روند سیاسی قابل پیش‌بینی پیروی می‌کنند که «معتدل» تر از نوع امریکائی به نظر می‌رسد، اما باز هم نمی‌توانند گام مهمی بردارند که مانع اسرائیل از نقض بیش‌تر قوانین بین‌المللی شوند.

در همین اثنا، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی، که شاید از متحدان استوار و پایدار فلسطین باشند، تا اندازه زیادی نسبت به بقیه طرف‌های درگیر در حاشیه باقی‌مانده اند. اعلامیه‌هایی که هر از گاهی در پشتیبانی از فلسطینی‌ها و محکوم کردن اشغال اسرائیل صادر می‌کنند، قابل پیش‌بینی و بی‌فایده است. به غیر از عباس و مقام او، مردم عادی فلسطین برای حمایت‌های توخالی که به واقعیت نمی‌پیوندند، هیچ ارزشی قائل نیستند. این الگوی منحرف به نوعی خودش را برای سال‌ها حفظ کرده است، بخشی بدین دلیل که مناسب همه به جز خلق فلسطین است. کسانی که البته، انقیاد و تحقیر آن‌ها توسط اسرائیل بدون مانع ادامه دارد.

در حال حاضر، دو جریان مختلف جهت تعریف موقعیت فلسطین پس از دوران «معامله قرن» مبارزه می‌کنند:

نخست، اسرائیل و امریکا، که علاقه مندند «طرح خاورمیانه» را به اقدامی سریع و برگشت‌ناپذیر تبدیل کنند. آن‌ها مشتاق آنند که شهرک‌های غیرقانونی کرانه باختری و جلگه اردن (تقریباً ۳۰ درصد کل اندازه کرانه باختری) را ضمیمه کنند. به علاوه، واشنگتن دوست دارد که تلاش‌های پُرحمت و مخفیانه اش باهدف عادی سازی روابط بین اعراب و اسرائیل دیده شود که به توافق‌های واقعی و سرانجام روابط دیپلماتیک کامل تبدیل گردد.

دوم، دولت خودگردان فلسطین، اتحادیه اروپا، ملل متحد، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی می‌خواهند که «معامله قرن» شکست بخورد، اما آن‌ها نقشه جایگزینی جهت ادامه کار خود ندارند. آن‌ها بر احترام به قوانین بین‌المللی اصرار می‌ورزند و پشتیبانان سرسخت الگوی تشکیل دو دولت هستند که امکان‌پذیر نیست، درضمن، آن‌ها استراتژی واقعی ندارند، چه رسد به یک مکانیسم فشار یا طرز کار اجرائی که این امر اتفاق بیفتد.

کمپ حامی تشکیلات خودگردان مملو از تضادهایی است که کمتر از اعتبار آشکار عباس نیستند. که از «مقاومت مردمی» حرف می‌زند، در حالی که در همکاری با اسرائیل، هرگونه تلاش جهت به زیر سؤال بردن اشغال اسرائیل را سرکوب می‌کند.

نمونه کامل از تضادهای این کمپ این است که فقط دو روز پس از آن که اتحادیه عرب بیانیه اش را در رد «معامله قرن» صادر کرد، رئیس شورای حاکمیت سودان، عبدالفتاح البرهان، با نخست وزیر راست‌گرای اسرائیل، بنیامین نتانیاهو در اوگاندا دیدار نمود. برهان امیدوار است که به نفع واشنگتن رابطه اش را با اسرائیل عادی کند.

نمونه دیگر در رفتار خود عباس منعکس شده است، که در تاریخ ۱ فوروری، ۲۰۲۰ اعلام کرد که همه تماس‌ها با اسرائیل را قطع می‌کند، از جمله به اصطلاح هم‌آهنگی امنیتی، ستون اصلی توافق اسلو، که عملاً نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین را در خدمت به اشغال اسرائیل استخدام می‌کند. این اولین بار نیست که عباس به این جلیقه نجات متوسل شده است، اما هرگز به قول خود عمل نکرده است. ما دلیلی نمی‌بینیم تا باور کنیم که این بار با گذشته فرق دارد.



جناح مبارزه زنان فلسطینی در اعتراض به اصطلاح نقشه صلح «معامله قرن»

#DealOfTheCentury

با نمونه‌هایی که در بالا ذکر شد، امید کمی وجود دارد که کمپ حامی تشکیلات خودگردان واقعاً در ساختار سیاسی کنونی بتواند «معامله قرن» را شکست دهد.

بیانیه‌های نهایی حاصل از اجلاس اتحادیه عرب در قاهره و سازمان همکاری اسلامی در جده، به ترتیب در ۱ و ۳ فوروری، تکرار کنفرانس‌های متعدد گذشته است، جایی که وعده و وعیدها داده و محکومیت‌ها شروع می‌شود، اما هیچ پی‌گیری یا هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد.

اگر اعراب و مسلمان‌ها در واقع، جهت مقابله با دسیسه‌های امریکا و اسرائیل صادق هستند، آن‌ها باید فراتر از این الگوی خاموش سیاست‌های غیرعملی بروند. این به تنهایی کافی نیست که حيله جنگی و اشنگتن را رد کرد و اقدامات اسرائیل را محکوم نمود. آن‌ها باید شهادت کافی داشته باشند که بیانیه‌هایشان را به ستراتیژی واقعی، و متحد تبدیل کنند و ستراتیژی خود را با تمام وسایلی که در اختیار دارند به عمل تبدیل سازند.

کشورهای عرب دارای اهرم‌های اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای در واشنگتن و در سراسر جهان هستند. اگر از این اهرم‌ها در دفاع از فلسطین و خلق آن استفاده نشود، پس چه ارزشی دارند؟

واشنگتن و تل آویو روی این واقعیت حساب می‌کنند که عصبانیت از «معامله قرن» در میان اعراب و مسلمان‌ها بالاخره از بین می‌رود، درست به همان‌گونه که پس از آنکه ترمپ اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت، و سفارت کشورش را در ماه مه ۲۰۱۸ به آنجا منتقل کرد.

اگر اعراب و مسلمان‌ها دوباره، و برای یکبار دیگر فلسطین را ناامید کنند، خلق فلسطین خود را در این جنگ نابرابر تنها می‌بینند، و چاره‌ای جز ادامه مقاومت ندارند. زمانی که فلسطینی‌ها برخیزند، که مطمئناً برمی‌خیزند، خیزش آن‌ها نه فقط اسرائیل بلکه کل کشورهای منطقه و جهان را به نبردی فرامی‌خواند که برای سالیان طولانی اجازه داده اند اشغال اسرائیل بدون تقابل ادامه یابد.

درباره نویسنده:

دکتر رمزی بارود، روزنامه نگار و سردبیر تاریخچه فلسطین- شرح وقایع فلسطین است. او مؤلف پنج کتاب است. آخرین کتاب او با عنوان: «این زنجیرها شکسته خواهند شد: داستان‌های مبارزه و مقابله فلسطینی‌ها در زندان‌های اسرائیل است» (انتشارات کلاریتی، آتلانتا). دکتر بارود عضو پژوهش‌گر ارشد غیرمستقر مرکز برای امور اسلام و جهانی، در دانشگاه زعیم ستانبول است.

برگرداننده شده از:

سایت تله سور

Breaking with Washington: Arabs and Muslims Must Take a United Stance for Palestine

By: *Ramzy Baroud*

https://www.telesurenglish.net/opinion/Arabs-and-Muslims-Must-Take-a-United-Stance-for-Palestine-20200218-0025.html?utm_source=planisys&utm_medium=NewsletterIngles&utm_campaign=NewsletterIngles&utm_content=32